نامرئیان در قرآن

مردانی نوکنده، محمدحسین

جن از دیدگاه لغت:

جن،یجن،جنا از باب نصر،ینصر،به معنای‏ پوشیدن و جن،یجن،جنا از باب ضرب، یضرب،به مفهوم پوشیده شدن است.(1)

در فرهنگ لاروس آمده است،که اصل جن، پوشیده و پنهان بودن چیزی از دسترس حس است. (جنه اللیل الشی‏ء و علیه)یعنی شب بر آن چیز تاریک شد و آن را پوشانید.(2)

اجنه به معنای پنهان کرد و پوشانیده است،مانند (اجنه اللیل)یعنی شب او را پنهان کرد و(اجن‏ المیت)یعنی مرده را کفن کرد و به خاک سپرد.(3)

فرهنگ لاروس نیز از جن به عنوان موجود نامریی بین انسان و ارواح و پری نام می‏برد.

در لغت نامه دخدا،در مورد لفظ جن آمده‏ است:«هر چیز پوشیده از حواس را جن گویند. در فرهنگ معین از جن،به عنوان موجودی متوهم‏ و نامریی و پری،یادآوری کرده است.(4)

جن در قرآن:

1-خداوند می‏فرماید:«ما برای هر پیغمبری‏ از شیطان‏های انس و جن،دشمنی در مقابل‏ برانگیختیم.(5)

همانطور که خداوند می‏فرماید برای تو ای‏ پیامبر دشمنانی از کافران انس و جن وجود دارد، برای انبیای گذشته به طور یقین دشمنانی وجود داشته است و احتمال می‏رود مراد از شیاطین انس، مغرورترین مشرکان به خاطر عدم ایمان و مراد از شیاطین جن،فرزندان ابلیس باشد.

2-(روز قیامت)همه خلق محشور می‏شوند و به شیاطین خطاب می‏شود که ای گروه جن،شما بر انسان فزونی یافتید(6)

3-در روز رستاخیز به گروه جن و انس خطاب‏ می‏شود:«ای گروه جن و انس،آیا برای هدایت‏ شما از جنس خود شما رسولانی نیامد که آیات مرا برای شما بخوانند و شما را از مواجه شدن با این‏ روز سخت محشر بترسانند؟»(7)

4-در روز قیامت«خداوند می‏گوید که شما هم در آن گروه از جن و انس که بیش از شما به دوزخ‏ شدند،داخل شوید.»(8)

نکته‏ای که در آیات قرآن،مشاهده می‏شود،این‏ است که انس و جن در برابر اعمالی که انجام‏ می‏دهند مسئوولند،و اگر به کفر بمیرند،باید دچار عذاب شوند و خداوند وعده‏ای که می‏دهد برای‏ جن و انس یکی است.گویا عده زیادی از افراد جن‏ و انس دچار جهنم می‏شوند،یعنی تعدادی که به‏ بهشت می‏روند کمتر از افرادی است که به جهنم می‏روند و این علت چیزی جز معاصی نمی‏تواند باشد.«و محققا بسیاری از جن و انس را برای‏ جهنم واگذاریم»(9)

5-خداوند به رسول خود می‏فرماید:«بگو ای‏ پیغمبر که اگر جن و انس متفق شوند که مانند این‏ قرآن کتابی بیاورند هرگز نتوانند.»(10)

در این آیه،خداوند هیچ فرقی بین توانایی انسان‏ و جن،در آوردن آیات الهی نمی‏گذارد.

6-گروه‏هایی از جنیان در پیش پیامبران خود را حاضر می‏کردند،نمونه آن حضرت سلیمان‏ پیامبر بود،در این مورد قرآن می‏فرماید:

«و سپاهیان سلیمان از گروه جن و انس و مرغان‏ هر سپاهی تحت فرمان رئیس خود در رکابش حاضر آمدند(11)

نکته‏ای که در این آیه نهفته است،آن است که‏ جن هم مانند انسان،خود را بر پیامبر نمایان‏ می‏کرده و گروهی از جنیان در خدمت پیامبر بودند.

7-هر چیزی را فلسفه‏ای است،خداوند فلسفه‏ خلقت جن و انس را چیزی جز عبادت کردن خود نمی‏داند.

«و ما خلق جن و انس را نیافریدیم مگر برای‏ اینکه مرا(به یکتایی)پرستش کنند.»(12)

از این آیه،نکته‏ای فهمیده می‏شود و آن اینکه‏ جنیان نیز مانند انسان‏ها باید خداوند را عبادت کنند و آنان مانند انسان‏ها دست به اعمالی می‏زنند که به‏ خدا نزدیک‏تر شوند و یا بالعکس موجب دوری آنها از خداوند شوند.

همچنین جن و انس،در ملک خداوند قرار دارند و جایی را نمی‏توان یافت که خارج از ملک‏ خداوند باشد.

«ای گروه جن و انس،اگر می‏توانید در اطراف‏ زمین و آسمان‏ها برشوید(از قبضه قدرت الهی) بیرون روید.»(13)

8-گاهی نادانی این انسان خاکی،به حدی‏ می‏رسد که به جای پناه بردن به خداوند که خالق‏ زمین و آسمان است،به جنیان پناه می‏برد.

«و همانا مردانی که از نوع بشر به مردانی از گروه جن پناه می‏بردند(و خود را در بیابان‏ها به‏ جنیان می‏سپردند)بر غرور و جهل خود سخت‏ می‏افزودند.»(14)

9-بعضی‏ها معتقد بودند که جن و جنیان‏ شریک خداوند هستند و این گروه مشرک شدند.

«و کافران گروهی(مانند مجوس)اهریمنان را شریک خدا شمردند»(15)

10-ابلیس که با خودخواهی تمام به انسان‏ سجده نکرده،از طایفه جن بوده است.

«و ای رسول،یادآور وقتی را که به فرشتگان‏ فرمان دادیم که بر آدم(صفی الله)همه سجده کنید و آنها تمام سر بر سجده فرود آوردند جز شیطان که‏ از جنس جن(دیو)بود.»(16)

11-همانطور که در قرآن آمده،حضرت‏ \*خداوند می‏فرماید برای تو ای‏ پیامبر دشمنانی از کافران انس و جن وجود دارد،برای انبیای‏ گذشته به طور یقین دشمنانی‏ وجود داشته است و احتمال‏ می‏رود مراد از شیاطین انس، مغرورترین مشرکان به خاطر عدم ایمان و مراد از شیاطین جن، فرزندان ابلیس باشد.

سلیمان،اصحابی از جن در اختیار داشته است و به فرمان او عمل می‏کردند.

«(از آن میان)عفریت جن گفت من میان‏ برآوردن تخت او قادر و امینم که پیش از آن که تو از جایگاه(قضاوت)خود برخیزی آن را به حضور آرم».(17)

12-جنیان وقتی آیات قرآن را شنیدند،به‏ تعجب و شگفتی افتادند.

«ای رسول ما،بگو مرا وحی رسیده که گروهی‏ از جنیان،آیات قرآن را(هنگام قرائت من)استماع‏ کرده‏اند و پس از شنیدن،گفته‏اند که ما از قرآن آیات‏ عجیبی می‏شنویم».(18)در ادامه همین آیه آمده‏ است:این قرآن،خلق را به راه خیر و صلاح هدایت‏ می‏کند،بدین سبب ما بدان ایمان آورده،دیگر هرگز به خدای خود،مشرک نخواهیم شد.»

در آیه 19 سوره جن چنین آمده است:«و چون‏ بنده خاص خدا محمد(ص)برای آنکه خدا را بخواند،(و خلق را به راه او دعوت کند)قیام کرد طایفه جنیان(برای استماع قرآن)چنان گرد او ازدحام کردند که نزدیک بود بر سر هم فرو ریزند.» در جای دیگر اشاره شده است که جنیان نیز مانند انسان‏ها خدمت پیامبر می‏آمدند و بعد از قرائت قرآن‏ توسط پیامبر،ایمان می‏آوردند.

«ای رسول ما،یاد آر وقتی را که ما تنی چند از جنیان را متوجه تو گردانیدیم تا استماع آیات قرآن‏ کنند».(19)

یکی دیگر از ایرادات بزرگ مشرکان و کافران، این بود که میان خداوند و اجنه،ارتباط فامیلی و خویشاوندی قائل بودند.

«و(فاسدتر از این عقیده آنکه)بین خدا و جن‏ نسبت و خویشی برقرار کردند و در صورتی که آنها می‏دانند که(این عقاید وهم و خرافات است و به‏ محشر)برای کیفر احضار خواهند شد».(20)

خلقت جن:

«و همانا ما انسانی را از گل و لای سالخورده‏ تغییر یافته بیافریدیم و طایفه دیوان را پیشتر از آتش‏ گدازنده،خلق کردیم».(21)

سموم،باد داغی است که اثر سمی دارد.در لغت،باد سوزانی است که گویی در تمام روزنه‏های‏ پوست بدن نفوذ می‏کند.(22)

«انسان را خدا از صلصال خشک گلی مانند گل‏ کوزه‏گران(بدین حسن و زیبایی)آفرید و جنیان را از رخشنده شعله آتش خلق کرد».(23)

مارج در اصل از مرج،به معنی اختلاط و آمیز است و در اینجا منظور اختلاط شعله‏های مختلف‏ آتش است،زیرا هنگامی که آتش شعله‏ور می‏شود، گاه به رنگ سرخ،گاه به رنگ زرد و گاه به رنگ‏ آبی و گاه به رنگ سفید درمی‏آید.(24)

بارزترین دلیل بر مخلوق بودن جن،نامگذاری‏ سوره‏ای از قرآن به نام جن است.دربارهء آفرینش‏ جن،ناصر مکارم شیرازی مشخصاتی را در کتاب‏ تفسیر نمونه،جلد 25 آورده است:

1-«جن،موجودی است که از شعله آتش‏ آفریده شده،بر خلاف انسان که از خاک آفریده شده‏ است

(و خلق الجان من مارج من نار)

(الرحمن/ 15)

2-جن دارای علم و ادراک و تشخیص حق‏ از باطل و قدرت منطق و استدلال است.

3-جن،دارای تکلیف و مسئوولیت است.

4-گروهی از آنها،مؤمن و گروهی‏ کافرند(25)

5-آنها دارای حشر و نشر و معادند.(26)

6-آنها نفوذ در آسمان‏ها و خبرگیری و استراق سمع داشتند و بعدا ممنوع شدند.(27)

7-آنها با بعضی از انسان‏ها ارتباط برقرار می‏کردند و با آگاهی محدودی که نسبت به‏ بعضی از اسرار نهانی داشتند به اغوای انسان‏ها می‏پرداختند(28)

8-در میان آنها افرادی یافت می‏شوند که‏ از قدرت زیادی برخوردارند،همانگونه که در میان‏ انسان‏ها نیز چنین است.(29)

9-آنها قدرت بر انجام بعضی کارهای مورد نیاز انسان را دارند(30)

10-خلقت آنها در زمین،قبل از خلقت انسانها بوده است.(31)

بعضی بنا بر نقل ابن عباس،گفته‏اند:جان‏ پدر جن است.همانطور که آدم پدر بشر است و یا نوع مخصوصی از جن است و همچنین او را نسل‏ ابلیس خوانده‏اند.(32)

در ضمن باید توجه داشته باشیم که جنیان، دارای دو جنس نر و ماده‏اند.چرا که قرآن‏ می‏فرماید:

و من کل شی خلقنا زوجین لعلکم‏ تذکرون

(33):«و از هر چیزی جفت خلق کردیم تا برای شما تذکری باشد.»در آیه شش سوره جن آمده‏ است:«به درستی که مردانی از انس بودند که به‏ مردانی از جن پناه می‏برند.»از این آیه فهمیده‏ می‏شود که جنیان دارای مردان هستند و از ازل هر جا که مردی بوده،قطعا زنی به طور قطع نیز بوده، پس جنیان دارای مرد و زن هستند.

جن حیات و مرگ دارد

قرآن موضوع نر و ماده بودن در موجودات را از آن جهت قرار داد که مسأله فنا شدن و از بین رفتن‏ امری عمومی و مختص به همه موجودات است، پس برای تکامل جهان طبیعت،لازم است از همان‏ جنس جای آنها را بگیرد.بنابراین،وقتی برای جن‏ همچون انسان زوجیت قائل شدیم،تولد و مرگ‏ را هم باید در مورد او بپذیریم و آیات قرآن نیز مؤید این سخن است.

«و برای تمام(مردم مؤمن و کافر)به مقتضای‏ اعمالشان درجاتی معین است(در عالم قیامت) و همه به پاداش و مزد اعمال خود می‏رسند و هیچ‏ ستمی بر آنها نخواهد شد(34)

از توجه به این آیه فهمیده می‏شود،در میان‏ جنیان مانند آدمیان،حکم مرگ جاری است.جن‏ نیز مانند انسان می‏میرد و از بین می‏رود و گروهی از آن‏ها جای گروه دیگر را می‏گیرد.در ضمن زاد و ولد در میان جنیان نیز جاری است،زیرا فرزند و مرگ و میر دارند.

میزان متوسطی برای عمر جن،قرار نداده‏اند و مشخص نیست که یک جن چقدر عمر می‏کند، شاید از این نکته بشود استفاده کرد که عمر انسان‏ در ادوار مختلف،میزان متغیر داشته است،عمر جن نیز چنین است.

\*جنیان نیز مانند انسان‏ها باید خداوند را عبادت کنند و آنان‏ مانند انسان‏ها دست به اعمالی‏ می‏زنند که به خدا نزدیک‏تر شوند و یا بالعکس موجب دوری‏ آنها از خداوند شوند.

آیا جن مکلف است؟

جن موجودی است با شعور و اراده که به‏ اقتضای طبیعتش از حواس بشر پوشیده است.جن‏ مانند انسان مکلف به اعمال است و در مقابل اعمال‏ خویش مسئول و پاسخگوست و در مقابل امتیازاتی‏ که به او داده می‏شود،مانند انسان از او تکلیف‏ می‏خواهند.

چنانکه خداوند متعال می‏فرماید:

«ما خلقت‏ الجن و الانس الا لیعبدون»

(35)ما جن و انس را نیافریدیم مگر برای عبادت.

«(آنگاه خداوند خطاب کند که)ای گروه جن‏ و انس،آیا برای هدایت شما از جنس خود شما رسولانی نیامد که آیات مرا برای شما بخوانند و شما را از مواجه شدن با این روز سخن محشر بترسانند؟ آنها با نهایت پشیمانی،جواب دهند که ما به جهالت‏ (به مخالفت رسول)و بدی خود،گواهی می‏دهیم‏ و زندگانی دنیا،آنها را مغرور ساخت و در آن حال‏ می‏فهمند و بر خود گواهی می‏دهند که به راه‏ کفر و ضلالت می‏رفتند.»(36)

با توجه به این آیه،نکاتی برای ما به اثبات‏ می‏رسد:

افراد جن دارای شعور بوده و قدرت درک‏ و وجدان دارند،همانطور که انسان،مسایل را درک‏ می‏کند و تجزیه و تحلیل می‏کند،جن نیز چنین‏ است.

-جن،دارای تکلیف است و مورد بازخواست‏ قرار می‏گیرد،در نتیجه قدرت دریافت رسالت‏ و انذار و بشارت را دارد.

-جن همانند تمام موجودات عالم در قیامت‏ حضور خواهد داشت و نسبت به اعمال خود پاسخگوست.

-مسأله قیامت و مرگ از مسایل غیبی و پنهانی‏ است و جن نیز در مورد جایگاه آخرت،علم و اطلاع‏ محسوس ندارد.

جن در کجا بسر می‏برد؟

یکی از سؤال‏هایی که در مورد جن مطرح است، این است که امکان زندگی جن کجاست؟آیا جن‏ در زمین زندگی می‏کند یا در آسمان،وقتی در این‏ باره به قرآن رجوع کرده و در آیات آن می‏اندیشیم، به این نتیجه می‏رسیم که قرآن بطور صریح مکان‏ زندگی جن را مشخص نکرده،اما اشاره به‏ حضور آن در زمین دارد.آیات اولیه سوره جن‏ و آیات 32-29 سوره احقاف به گوش دادن تعدادی‏ از افراد جن به تلاوت قرآن پیامبر یا حضور آنها در سپاه سلیمان اشاره می‏کند که این نکات نشان‏ دهنده وجود جنیان در روی زمین است.از طرف‏ دیگر آیات 8 و 9 سوره جن،اشاره به این نکته دارد که جنیان در آسمان‏ها نیز حضور دارند و این گونه‏ استنباط می‏شود که در گذشته،جنیان آزادانه به‏ آسمان بالا می‏رفتند و در جایی که خبرهای غیبی و سخنان ملائکه به گوششان می‏رسید،می‏نشستند. ولی در آینده،جنیان به یک حادثه آسمانی‏ برخورده‏اند،حادثه‏ای که مقارن با نزول قرآن و بعثت خاتم الانبیاء رخ داده و آن عبارت است‏ از اینکه با بعثت آن حضرت،جنیان از تلقی‏ اخبار غیبی آسمانی و استراق سمع،برای بدست‏ آوردن آن ممنوع شده‏اند.آیات سوره مبارکه جن، اشاره به این نکته دارد که قبل از بعثت پیامبر،جنیان‏ به راحتی در آسمان،رفت و آمد میکرده‏اند و حتی‏ یک سری اختیار غیبی را با در کمین نشستن بدست‏ می‏آورده‏اند که پس از تولد یا بعثت پیامبر،این‏ امکان از آنها گرفته شد،و توسط نگهبانان آسمانی و به وسیله شعله‏های آتش از آسمان رانده‏ می‏شدند.البته این آیات،این معنا را نمی‏رساند که جنیان بکلی از آسمان منع شدند،بلکه بیانگر این‏ است که افراد جن،از شنیدن اخبار غیبی که با به‏ گوش نشستن به دست می‏آوردند،منع شدند و همان گونه که گفتیم،این در پی یک حادثه مهم بود. به همین دلیل،آنها دچار حیرت و سرگردانی شده‏ و در پی آن برآمدند تا بدانند دلیل این مسأله چیست‏ که قدرت قبلی از آنها سلب شده و در پی این جست‏ و جو با پیامبر و قرآن کریم آشنا شدند و ایمان‏ آوردند.(37)

رسیدن جنیان به حضور ائمه:

بنا به روایات،تجسم یافتن و دیده شدن جن، حتمی است و آنها به محضر ائمه می‏آمدند و مسایل‏ و مشکلات خویش را سؤال می‏کردند.در کتاب‏ اصول کافی،به چندین روایت در این باره اشاره‏ شده است که به اختصار تنها به چند مورد اکتفا می‏کنیم:

1-ابن جبل می‏گوید:«در خانه امام صادق(ع) ایستاده بودیم،مردمی شبیه سیاه پوشان سودانی، بیرون آمدند که لنگ و روپوشی در بر داشتند،از امام صادق(ع)راجع به آنها پرسیدیم فرمودند: ایشان برادران جن شما هستند.»

2-سعد اسکاف گوید:«خدمت امام باقر(ع) رهسپار شدم و می‏خواستم اجازه ورود بگیرم که‏ دیدم جهازهای شتر در خانه صف کشیده و به ردیف‏ است،ناگاه صدایی برخاست و سپس مردمی‏ عمامه بر سر،شبیه سودانی‏ها بیرون آمدند.من‏ خدمت حضرت رسیدم و عرض کردم:قربانت‏ امروز به من دیر اجازه فرمودی و من اشخاصی‏ عمامه بر سر را دیدم،بیرون آمدند که آنها را نشناختم،فرمودند:ندانستی آنها چه کسانی‏ \*جن موجودی است با شعور و اراده که به اقتضای طبیعتش‏ از حواس بشر پوشیده است.جن‏ مانند انسان مکلف به اعمال است‏ و در مقابل اعمال خویش مسئول‏ و پاسخگوست و در مقابل‏ امتیازاتی که به او داده می‏شود، مانند انسان از او تکلیف‏ می‏خواهند.

هستند؟عرض کردم،نه،فرمود:آنها برادران جن‏ شما هستند که نزد ما می‏آیند و حلال و حرام و مسایل دینی خود را از ما می‏پرسند.

3-در روایتی امام باقر(ع)به سدیر صیرفی‏ فرمود:ای سدیر،ما خدمتگزارانی از طایفه جن‏ داریم که هر گاه شتاب داشته باشیم آنها را می‏فرستیم.

4-روزی از روزها،حضرت علی(ع)بر منبر مسجد کوفه،برای مردمان خطبه می‏خواند، ناگهان اژدهایی وارد مسجد شد و مردمان هجوم‏ آوردند تا او را بکشند،امام فرمود راهش دهید، راه دادند،از منبر بالا رفت و در گوش مولی‏ علی(ع)چیزی گفت و حضرت به زبان وی جواب‏ داد و اژدها،از مسجد بیرون رفت و ناپدید گشت، آنگاه حضرت برای رفع تعجب دیگران،فرمود: او از فرمانروایان جن بود که مسأله‏ای برایش پیش‏ آمده بود،که من جوابش دادم،از روایاتی که درباره‏ جن گفته شده،چند نکته روشن می‏شود:

1-اینکه افراد جن می‏توانند در برخی از موارد استثنایی توسط انسان،دیده شوند و این دیده شدن‏ به شکل‏های مختلف می‏تواند باشد،به عبارتی‏ دیگر،آن‏ها محدود به شکل و شمایل خاصی‏ نیستند،بلکه قادرند خود را به هر شکلی بخواهند درآورند.

2-هر چند آنها،از نظر کمال به حد انسان‏ نمی‏رسند و نوع جن نسبت به نوع انسان در مرتبه‏ پایین‏تری قرار دارد،اما دارای یک سری‏ قدرت‏هایی ما فوق انسان هستند.زیرا طبق آیات و روایات آنها در حرکت و نقل مکان،قدرتی ماورای‏ قدرت انسان دارند،چون از جنس انسان نیستند، در نتیجه محدودیت،مکانی همانند انسان را ندارند و به عبارتی،نوع حرکت آن‏ها متفاوت با حرکت‏ انسان است و قادرند در کمترین زمان،مسافت‏های‏ زیادی را طی کنند.

3-دیدار و ارتباط و ملاقات با جن،شرایط روحی خاصی را می‏طلبد که دسترسی به آن،برای‏ هر کسی به آسانی میسر نیست.

4-گروه‏هایی از افراد جن همانند انسان‏ها، مسلمان و شیعه و معتقد به امامت علی(ع)و فرزندانش هستند و پیرو فرمانبردار آنهایند و در مسایل و مشکلاتی که برای جهان تشیع و ائمه علیهم‏ السلام پیش می‏آید نمی‏توانند بی تفاوت باشند، چنانکه طبق روایات نقل شده در کربلا،عده‏ای از جنیان خدمت امام حسین(ع)رسیدند و اعلام‏ وفاداری و یاری و فداکاری نسبت به آن حضرت‏ کردند.شهید مطهری می‏گوید:«جن در خصلت‏هایش،شبیه‏ترین موجودات به انسان‏ است،یعنی تولد دارد،مرگ و حیات دارد،نسل‏ دارد،مرد و زن دارد،همه این‏ها از قرآن استنباط می‏شود و بر خلاف ملائکه که هیچ کدام از اینها را ندارند.»(38)

(1)-منجد الطلاب،مترجم محمد بندر ریگی،ص 75.

(2)-فرهنگ لاروس،مترجم حمید طبیبیان،واژه جن.

(3)-منجد الطلاب

(4)-فرهنگ معین،ج 1

(5)-

و کذلک جعلنا لکل بنی عدوا شیطین الانس و الجن

(انعام/112)

(6)-

یا معشر الجن قد استکثرتم من الانس

(انعام/128)

(7)-

یا معشر الجن و الانس ألم یأتکم رسل منکم یقصون‏ علیکم آیاتی

(انعام/130)

(8)-

قال ادخلوا فی امم قد خلت من قبلکم من الجن و الانس‏ فی النار

(اعراف/38)

(9)-

و لقد ذرأنا لجهنم کثیرا من الجن و الانس

(اعراف/ 179)

(10)-

قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی ان یأتوا بمثل‏ هذا القرآن لا یاتون بمثله

(11)-

و حشر لسلیمان جنوده من الجن و الانس و الطیر فهم یوزعون

(نمل/17)

(12)-

و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون

(ذاریات/56)

(13)-

یا معشر الجن و الانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات و الارض

(الرحمن/33)

(14)-

و انه کان رجال من الانس یعوذون برجال من الجن‏ قرادوهم رهقا

(جن/6)

(15)-

و جعلوا لله شرکاء الجن

(انعام/100)

(16)-

و اذ قلنا للملائکة اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابلیس

(کهف/50)

(17)-

قال عفریت من الجن اناء اتیک به قبل ان تقوم من‏ مقامک

(نمل/39)

(18)-

قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرانا عجبا

(جن/1)

(19)-

و اذ صرفنا الیک نفرا من الجن یستمعون القرآن

(احقاف/29)

(20)-

و جعلوا بینه و بین الجنة نسبا و لقد علمت الجنة انهم‏ لمحضرون

(صافات/158)

(21)-

و لقد خلقنا الانسان من صلصال من حماء مسنون و الجان خلقناه من قبل من نار السموم

(حجر/27 و 26)

(22)-تفسیر نمونه،ج 11،ص 68

(23)-

خلق الانسان من صلصال کالفخار و خلق الجان من‏ مارج من نار

(الرحمن/15 و 14)

(24)-تفسیر نمونه،ج 23

(25)-جن/16

(26)-جن/15

(27)-جن/9

(28)-جن/6

(29)-نمل/39

(30)-سبا/12 و 13

(31)-حجر/27

(32)-تفسیر المیزان

(33)-ذاریات/49

(34)-

اولئک الذین حق علیهم القول فی امم قد خلت من‏ قبلهم من الجن و الانس

(احقاف/8)

(35)-ذاریات/56

(36)-انعام/130

(37)-تفسیر المیزان ج 20 ص 67

(38)-تفسیر قرآن،اثر شهید مطهری،ص 15